



مکاسب محرمة

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

بحث در سب مؤمن بود و بیان کردیم که مناسب بود این عنوان و عناوین همسو با این عنوان که در مورد روابط انسان‌ها با یکدیگر می‌باشد در یک باب فقهی مستقل به طور جامع و کامل بحث شود.

عناوین مرتبط با عنوان سب در روایات

عناوینی که به نحوی با عنوان سب و شتم مرتبط می‌باشند و در روایات نیز به آن‌ها اشاره شده است، این عناوین می‌باشد لعن، سخریه، استهزا، تعبیر، قذف، تانید، استخفاف، تحقیر، اذلال، اهانت و توهین، طعن، غیبت، هجو، ذم، تهمت و بهتان در نقطه مقابل این عناوین عناوینی چون احترام، اکرام، اجلال و عناوین دیگری که در روایات ابواب احکام العشره آمده است.

اقسام بحث از سب در فقه

موضوع بحث از سب در مکاسب مطلق سب می‌باشد و قید خاصی در آن لحاظ نشده است البته در ابواب دیگر فقه از اقسام سب به مقتضای تناسب بحث شده است مثلاً در باب حدود و تعزیرات از سب پیامبر و ائمه و همچنین از قذف که یکی از مصادیق سب می‌باشد به تناسب اینکه برای این دو قسم از سب در شرع حد لحاظ شده است بحث شده است.



معنای سب در کتب لغت

در کتاب التحقيق فی کلمات القرآن واژه سب را در کلمات لغویین مورد بررسی قرا داده است بنا بر نقل این کتاب، مصباح فیومی سب را این گونه معنا کرده است «سَبَّه سَبًّا، فهو سَبَّابٌ، و منه قيل: للإصبع التي تلي الإبهام سَبَّابة لأنها يشار بها عند السبِّ، و السَّبَّة: العار» که سب را به معنای عار می داند و وقتی کسی سب می شود گویا عاری به او نسبت داده شده است و اصل سب را سب به ضم سین به معنای عار می داند و در ادامه دارد که «السبب: الحبل و هو ما يتوصّل به الى الاستعلاء»

در مقایس دارد که «سَبٌّ: حدّه بعض أهل اللغة و أظنّه ابن درید: أن أصل هذا الباب القطع، ثم اشتق منه الشتم» و یا در ادامه دارد که «فأما الأصل فالسبّ: العقر، يقال سببت الناقة إذا عقرتها» و به شتم سب می گویند چون شتم نوعی قطع آبرو و حیثیت افراد است و خلاصه اینکه سب را مطلق شتم معنا کرده است.

در الجهمره سب این گونه معنا شده است «سَبٌّ يسبّ سَبًّا، و أصل السبّ القطع، ثم صار السبّ شتما، لأنّ الشتم خرق الأعراض».

و خود کتاب التحقيق سب را این گونه معنا کرده است «أنّ الأصل الواحد في هذه المادة: هو الحصر و الحدّ بالنسبة الى سعة شيء و انطلاقه و اعتلائه».

در اینکه از لحاظ واژه شناسی لغت، اصل سب قطع بوده است همان گونه که مقایس گفته و یا اینکه عار بوده همان گونه که مصباح گفته است دو احتمال وجود دارد که به نظر می رسد کلام صاحب مقایس دقیق تر می باشد. در هر صورت آن معنایی که ارتکازات عرفی هم آن را مساعدت می کند، همان معنای شتم می باشد. البته ذکر این نکته لازم است که در مفردات سب را به شتم وجیع و دردناک معنا کرده است به خلاف سایر لغات که احترازی گرفتن قید وجیع در این تعریف چندان مساعد و صحیح به نظر نمی رسد.

معنای شتم در کتب لغت

شتم هم در لغت به «الشتم: السب، بأن تصف الشيء بما هو إزراء و نقص» معنا شده است یعنی توصیف کردن دیگران به چیزی که عیب و نقصی در آن هست.



شتم: مطلق توصیف به نقص

در مطلق توصیف دیگران به نقص، عنوان سب و شتم صدق می‌کند اعم از اینکه نامی بر او بگذارد مانند حمار و یا اینکه گناهی را به او نسبت دهد و یا اینکه عیب و نقص جسمانی و یا روحی را به او نسبت دهد و همچنین اعم از این است این عیب در او باشد و یا اینکه این عیب در او نباشد. و اینکه در جلوی روی او، او را توصیف به نقص کند یا اینکه در غیابش او را توصیف به نقص کند.

عدم لحاظ قید ایذا در صدق شتم

در شتم کردن قید ایذا لحاظ نشده است و تفاوتی ندارد که او ناراحت بشود و یا اینکه به هر دلیلی از شنیدنش ناراحت نشود بلکه عرفا آنچه اسناد منقصت به دیگران می‌باشد سب و شتم می‌باشد.

عدم اعتبار عرف خاص در اسناد نقص

نکته دیگری که باید به آن توجه کرد این است که در این اسناد شرط است که به لحاظ عرف عام نقص محسوب شود اما اسناد هایی که در عرف عام نقص محسوب نمی‌شود بلکه در عرف‌های خاص مانند جامعه پزشکی و یا جامعه روحانیت نقص محسوب می‌شود، واژه سب و شتم بر آن‌ها صدق نمی‌کند هر چند از این اسناد ناراحت شود البته در این موارد از باب ایذا غیر حرمت وجود دارد اما سب و شتم صدق نمی‌کند.

معنای لعن و نسبت آن با سب

لعن در لغت به «الطرد و الإبعاد علی سبیل السخط» و «الطرد من الرحمة» و «دعا علی الغیر» معنا شده است حال یا نحو انشایی و یا به نحو خبری و نسبتش با سب و شتم عموم خصوص مطلق است چون در لعن به صورت التزامی و تضمینی اسناد یک منقصت به دیگران است و لذا لعن یکی از مصادیق سب است اما هر سبی لعن محسوب نمی‌شود. نسبت ایذا با سب و شتم



نسبت بین ایذا و شتم عموم خصوص من وجه است برای اینکه در مواردی که شتم صدق می‌کند یا به دلیل غیاب کسی که شتم شده است و یا هر دلیل دیگری ممکن است کسی که شتم شده است مورد ایذا قرار نگیرد و از طرف دیگر ایذا غیر با افعال خوب هم محقق شود لذا بین این دو عنوان عموم و خصوص من وجه است.

نسبت غیبت و شتم

غیبت در لغت به «إِذَا ذَكَرَهُ بِمَا يَكْرَهُ مِنَ الْغُيُوبِ» و یا «و هو أن يذكر الإنسان في غَيْبَتِهِ بسوء و إن كان فيه» معنا شده است و نسبت آن طبق ظاهر این تعاریف عموم و خصوص مطلق است.

نسبت سب و شتم با استهزا و سخریه

اگر سب و شتم را اعم از قولی و فعلی بگیریم معنای آن با استهزا بسیار نزدیک است چون در صورت استهزا یک اسناد منقصت به غیر صورت گرفته است اما اگر قید قولی و لسانی بودن را در شتم و سب لحاظ کنیم نسبت بین آن دو عموم و خصوص من وجه می‌شود و در این مواردی که اسناد نقص به واسطه فعل باشد سب و شتم صدق نمی‌کند.

عدم قصدی بودن عنوان سب و شتم

عنوان سب و شتم از عناوین قصدی و اختیاری نمی‌باشد و لذا این عناوین در مواردی که شخصی اسناد نقصی به دیگران می‌دهد اما قصد سب و شتم نداشته باشد صدق می‌کند هر چند در این موارد قائل شویم چون قصد نداشته پس حکم حرمت هم وجود ندارد.